

اندوه‌وارها

اکبر بهداروند

www.ketab.ir



سر ششده: بهدارونده اکبر. ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور: اندوهواره‌ها/ اکبر بهدارونده.

موضوعات نظر: تهران: ناهونته ۱۴۰۱.

موضوعات ظاهری: ۱۴۰ ص: ۲۷/۵۵۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۱۸۳-۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

Persian poetry - ۲۰th century

رده بندی کنگره: PIR۷۹۷۲

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۷۶۵۲۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

www.ketab.ir



انتشارات ناهونته

نام: اندوهواره‌ها

سراینده: اکبر بهدارونده

چاپ یکم: فروردین ۱۴۰۲

ششده: ۱۰۰۵۷

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۱۸۳-۷-۹

چاپخانه: هدی

صفافی: ترنج

طرح جلد: رضا شوهانی

ویراستار: دکتر ناصر احمدزاده

فهرست

- ۱۱..... شکوفه جوش غزل‌های باغ رؤیایم
- ۱۳..... خنیاگر خزان‌زاد، وقتی ترانه می‌خواند
- ۱۵..... وقتی که اشک ابر، سرازیر می‌شود
- ۱۷..... بیا و در شب باران، چراغ راهم باش
- ۱۹..... وقتی گلوی خسته‌ای فریاد می‌زد
- ۲۱..... وقتی سکوت حنجره فریاد می‌شود
- ۲۳..... طراوت نفس باغ صبحگاهم باش
- ۲۵..... آن که می‌رقصد چو موج سایه هرشب در برم
- ۲۷..... مرا به کوچه‌ای از صبح آسمان ببرید
- ۲۹..... مثل پیراهن، خیالت تا در آغوش من است
- ۳۱..... روی دوش ابر، زلف ماه بود
- ۳۳..... وقتی که موج حادثه، طوفان گرفته است
- ۳۵..... شرارم اگر شعله‌ور می‌شود
- ۳۷..... مجال شعله ندارد چراغ خاموشم
- ۳۹..... وقتی که دست صاعقه، زد آتشی بر حاصلم
- ۴۱..... وقتی که چشم‌ت می‌کند اعجاز، اما
- ۴۳..... در این شبانه‌ی ممتد، ستاره می‌آید
- ۴۵..... به سوگ‌خوانی بغض ترانه‌ام ببرید
- ۴۷..... از گلویم می‌چکد بغض نوای سوخته
- ۴۹..... وقتی که صبح، سرزده از راه می‌رسد
- ۵۱..... سیب خورشیدم که از باغ سحر افتاده‌ام

- ۵۳..... تا کولیان شب، ز غم آواز کردند.
- ۵۵..... آسمان در لرزه افتاده‌ست، بر بیداد من
- ۵۷..... غزل حماسه سرودم برای چشمانت
- ۵۹..... شکوفه زار بهار است باغ چشمانت
- ۶۱..... قمصر کاشان چشمت تا شکوفد در گلاب
- ۶۳..... در نگاه آینه، پلک شبم در خواب بود
- ۶۵..... از برم با شتاب می‌گذری
- ۶۷..... در خیالم، چو ماه می‌گذری
- ۶۹..... وقتی که با به چنگل باران نهاده‌ام
- ۷۱..... اگر نگاه تو در آینه گم می‌کرد
- ۷۳..... قناری شوقم، شبی در قفس شد
- ۷۵..... اگر در شبانگاه، ماهی ندارم
- ۷۷..... تا به یاد نگاهت افتادم
- ۷۹..... شب طوفان! نجیب دریا زاد!
- ۸۱..... مرا به باغ غزل، بی‌بهبانه دعوت کن
- ۸۳..... شبی که سکوت نوایم شکست
- ۸۵..... وقتی شکفتی روی شاخه، برگواره
- ۸۷..... تا پلک خواب پنجره بیدار می‌شود
- ۸۹..... وقتی که ماه، در شب ابری شکفته است
- ۹۱..... وقتی شکفته است به شاخه جوانه‌ام
- ۹۳..... کسی مرا به صحاری شب، صدا می‌زد
- ۹۵..... نامت چو بوی گل دمد تا از دهانم
- ۹۷..... از انتهای شب التهاب می‌آیم

۹۷